



هدایت تحصیلی آسیب شناسی و راه کارها

در میزگردی با حضور مدیران و کارشناسان

دکتر تورانی: یکی از چالش‌هایی که در حال حاضر با آن مواجه هستیم، بحث هدایت تحصیلی است. هدایت تحصیلی مسئله نیست. ضعف ما نیست بلکه یک چالش و وضعیت است و باید آن را به دید یک فرصت نگاه کنیم نه تهدید. هدایت تحصیلی یک کار بزرگ، خوب و تعیین کننده در جهت عملیاتی کردن سند تحول بنیادین هم می‌باشد.

امسال قرار بود که اتفاق‌هایی در هدایت تحصیلی برای منافع ملی بیفتد اما به دلایل مختلف در انجامش موفق نبودیم. به‌رغم اینکه برنامه امسال ما و کار مصوب آموزش و پرورش بود که می‌بایست اتفاق بیفتد اما در مسیر، کارهایمان دستخوش رسانه‌ها و برخی از ناهماهنگی‌ها شد و کار هدایت تحصیلی به نتیجه مطلوب و مورد نظر خودش نرسید.

یکی از رسالت‌های مجله این است که در این زمینه‌ها وارد شود و به آموزش و پرورش کمک کند که برای اجرا و تحقق چنین برنامه‌هایی زمینه و بستر مناسب فراهم آورد.

این جلسه برای تحقق همین موضوع برگزار می‌شود.

دکتر عمادی: آن چیزی که در ارتباط با هدایت تحصیلی امروز در جامعه بروز کرده است، شامل لایه‌های زیرینی است که باید آن‌ها را شکافت و بیشتر بررسی کرد. باید بدانیم مسئله ما در هدایت تحصیلی اساساً از کجا آب می‌خورد و چرا به چنین وضعی دچار شده‌ایم.

فرهنگ ما از قدیم این‌گونه بوده است که از دانش آن تعبیری که یونسکو دارد، استفاده نمی‌کنیم بلکه دانش را برای دانش می‌خواهیم؛ برای اینکه ملاً شویم.

اگر از ارتباط میان علم و عمل هم صحبت می‌کنیم، منظورمان عمل اخلاقی است. وقتی سعدی می‌گوید:

علم چندان که بیشتر خوانی

چون عمل در تو نیست، نادانی

منظورش این نیست که شما علمتان را به فناوری و صنعت مرتبط کنید. منظورش این است وقتی مطلبی یا موضوعی را

« هدایت تحصیلی، ضرورت، کارکرد و تأثیر آن در جامعه»، عنوان میزگردی است که با حضور مهندس علی زرافشان معاون آموزش متوسطه، دکتر عبدالرسول عمادی رئیس مرکز سنجش، دکتر محمد مصطفوی معاون برنامه‌ریزی امور مشاوره معاونت پرورشی، دکتر احمد عابدینی معاون امور کمیسیون‌های دبیر کل شورای عالی آموزش و پرورش، دکتر زیبا زعفری مدیر دبیرستان «آیین تربیت» و عباس سوری مدیر دبیرستان «جابر ابن حیان» منطقه پنج تهران، دکتر مرتضی مجددر سردبیر مجله «شوق تغییر»، محمدرضا حشمتی سردبیر مجله رشد معلم و دکتر حیدر تورانی سردبیر فصلنامه رشد مدیریت مدرسه برگزار شد.

در ابتدای این میزگرد مهندس علی زرافشان به‌طور مفصل موضوع «هدایت تحصیلی» را تشریح کرد که گزارش آن به دلیل اهمیت، به‌صورت مستقل در صفحات پیشین ارائه شد. مشروح گزارش این میزگرد در ادامه تقدیم می‌شود.



مهارت را می‌بایست از سال اول ابتدایی به بچه یاد داد. باید تجربه‌ها را از اول ابتدایی و همپا با دانش در اختیار دانش‌آموزان قرار دهیم.

دکتر تورانی: آقای دکتر مصطفوی، در قسمت شما برای هدایت تحصیلی چه اتفاقی افتاده است؟

دکتر مصطفوی: الحمدلله امسال در بحث هدایت تحصیلی، وزارت آموزش و پرورش یکپارچه شده بود؛ یعنی چه در بخش آموزش و چه در بخش پرورش همه یکپارچه بودند و کار خیلی خوب پیش رفت.

مشکل عمده‌ای که در هدایت تحصیلی وجود دارد، این است که در واقع، خود هدایت تحصیلی نوعی ارزشیابی است؛ یعنی بعد از ۹ سال که درس دانش‌آموز تمام می‌شود، می‌گوییم این آدم را ساخته‌ایم و فرایند ۹ ساله‌ای را طی کرده‌ایم و حالا او را محک می‌زنیم. هدایت تحصیلی، محک زدن آموزش دوره عمومی است تا ببینیم آنچه را آماده کرده‌ایم، واقعاً نتیجه داده

یاد گرفتید و یا دانستید و فهمیدید که یک عمل اخلاقی خوب است، باید به آن عمل کنید.

به عبارت دیگر، اگر در دنیای امروز، تبدیل انسان به سرمایه انسانی که مستلزم توانمندسازی انسان است با تکیه بر سه وجه توانمندسازی انجام می‌گیرد، در ایران این‌گونه نیست.

توانمندسازی سه وجه دارد: دانش، مهارت، و تجربه. این سه عامل وقتی بر عنصر انسان مستقر می‌شود، کم‌کم عنصر انسان به سمت سرمایه انسانی شدن حرکت می‌کند.

ما باور نداریم که توانمند شدن انسان، مستلزم رشد متوازن سه وجه دانش، مهارت و تجربه‌های فرد است. از روز اول تمرکزمان را روی دانش می‌گذاریم و اتفاقاً اشکال ما در بحث آموزش و پرورش و در هدایت تحصیلی در جای دیگری شکل می‌گیرد و در دوره متوسطه خودش را نشان می‌دهد. اشکال ما در آموزش‌های محیط اجتماعی، خانواده، دوره ابتدایی و پیش‌دبستانی شکل می‌گیرد و در همان دوران عمیق می‌شود و وقتی به دوره متوسطه می‌رسد، در هدایت تحصیلی دچار مشکل می‌شویم.

سؤال و بحث خودم را به این شکل مطرح می‌کنم که چرا تمایل به آموزش‌های مهارتی نسبت به آموزش‌های نظری در ایران کمتر است.

وقتی نتایج امتحانات نهایی نظری و فنی و حرفه‌ای را با هم مقایسه می‌کنیم، اگر میانگین نمره نظری ما در سطح کشور ۱۳ - ۱۲ است، میانگین نمره فنی و حرفه‌ای ما ۸ - ۷ می‌باشد. این قضیه نشان می‌دهد که اصولاً ما از پایه به جهات تجربی و مهارتی اهمیت نمی‌دهیم، بلکه فقط برای جنبه دانش اهمیت قائلیم و این، آفت بزرگ جامعه ماست.

من معتقدم بحث هدایت تحصیلی را از لحاظ نظری در ابتدا در آموزش ابتدایی استقرار بدهیم و ببینیم پایه‌های هدایت تحصیلی ما در آموزش ابتدایی به چه نحوی بسته می‌شود. چون ما تمرکز بر مهارت نداریم، بچه‌هایمان مهارت‌آموز نمی‌شوند.

دکتر عبدالرسول عمادی: آن چیزی که در ارتباط با هدایت تحصیلی امروز در جامعه بروز کرده است، شامل لایه‌های زیرینی است که باید آن‌ها را شکافت و بیشتر بررسی کرد



است یا خیر. نکته دیگر اینکه، تا زمانی که اولویت اول وزارت آموزش و پرورش مشاوره و مباحث روان‌شناختی نباشد، این مشکلات وجود دارد.

من می‌خواهم بگویم، بحث آموزش و پرورش عمیق‌تر از این مسائلی است که مطرح می‌شود. آن زمانی که کتاب‌های درسی طبق برنامه درسی در حال تألیف بود، هیچ‌وقت نگفتند مشاور، شما هم در تعیین سرفصل‌های کتاب نظر بدهید و درگیر شوید. اصلاً کتاب‌ها برای چه نوشته شده‌اند؟ سؤال ما از شورای عالی این بود که آیا اول می‌بایست الگوی هدایت تحصیلی طراحی می‌شد یا اول باید کتاب نوشته می‌شد؟

ما برعکس عمل کردیم. اول کتاب را نوشتیم، ساختار را درست کردیم و بعد گفتیم، هدایت تحصیلی چه باشد! بعد از آن، مشاوره را در متوسطه دوم قرار می‌دهیم و وقتی به زمان آن نزدیک می‌شویم، می‌گوییم هدایت تحصیلی در متوسطه

اول باشد؛ یعنی خودمان شرایطی را فراهم می‌کنیم که هدایت تحصیلی در یک برهه از زمان به صورت نقطه‌ای عمل شود. چالشی که امسال در هدایت تحصیلی داشتیم، چه بود؟ اگر والدین دانش‌آموز به صورت فرایندی - حداقل در سال هفتم یا هشتم یا نهم - توجیه می‌شدند و با والدین ارتباط لازم برقرار

دکتر حیدر تورانی: هدایت تحصیلی یک کار بزرگ، خوب و تعیین‌کننده در جهت عملیاتی کردن سند تحول بنیادین هم می‌باشد



طرح علمی بود. آن نکته‌ای که می‌فرمایند، بین قسمت‌های مختلف وزارت خانه هماهنگی وجود داشت، کاملاً درست است. منتها آموزش و پرورش از یک موضوع غافل شد. آن هم انجام دادن تراش یا خراش هرم جمعیتی به صورت یکباره بود؛ یعنی این کار یک‌ساله انجام شد. در صورتی که خودشان می‌گفتند به شش سال زمان نیاز دارند تا بتوانند طرح هدایت تحصیلی را جا بیندازند.

نکته دیگر اینکه دفتر مشاوره به لاک خودش رفت؛ در حالی که می‌بایست یک‌بار در هر هفته خبرنگاران را به اینجا می‌آوردند و آن‌ها را با انجام دادن مصاحبه‌ها در جریان امور قرار می‌دادند یا مقاله می‌دادند به همین دلیل اینان بدون اطلاع، شروع کردند به تاختن به آموزش و پرورش و ما هم خیلی زود عقب‌نشینی کردیم. ما نباید به سرعت عقب‌نشینی می‌کردیم. نمونه‌اش همین است که امسال در کنکور تجربی شاهدش بودیم.

نمونه عملی غلط بودن هدایت تحصیلی‌ها، دانشجوی انصرافی شریف در کنکور امسال بود.

این دانشجو بعد از دو سال درس خواندن رشته اول دانشگاه شریف یعنی برق مجدداً در کنکور شرکت کرده و در رشته پزشکی قبول شده است و می‌گوید در رشته برق شریف نمی‌توانم به آمل و آرزوهایم دست پیدا کنم.

ما باید مسئله همین دانشجوی انصرافی شریف را برجسته می‌کردیم و برای همگان و جامعه عنوان می‌کردیم و می‌گفتیم که نمونه هدایت تحصیلی نادرست، این می‌شود.

دکتر مصطفوی: ما هیچ دانش‌آموزی را مجبور نکردیم و این موضوع هم در رسانه‌ها مطرح شد.

ما می‌گوییم هر دانش‌آموز ۱۲ اولویت دارد و می‌تواند هر کدام از این ۱۲ مورد را با رعایت هنجار انتخاب کند. طبیعی است که وقتی ظرفیت منطقه ما ۲۰۰ نفر در رشته تجربی است، نمی‌توانیم بیش از آن را بپذیریم.

سوری: ما این جلسه را به فال نیک می‌گیریم. ان‌شاءالله این بیانات و عرایض بتواند تا حدودی مسائلی را که در کف مدارس است، حل کند. چون ما در صف هستیم و عزیزان در ستاد، و چیزهایی که ما می‌بینیم متفاوت است.

واقعیت این است که اگر بتوانیم بچه‌ها را درست هدایت کنیم و آن‌ها را از ششم ابتدایی به سمت آموزش مهارتی سوق بدهیم، می‌توانیم نتیجه بگیریم.

من به مدت ده روز از ساعت ۸ صبح تا ۱۱ شب در مرکز کمیته هدایت تحصیلی منطقه ۵ بودم. بیش از ۲۳۰۰ مراجعه را جواب دادیم و مدیران متوسطه یک را ساماندهی کردیم. طی این مدت، مسائلی را مشاهده کردم که سعی می‌کنم آن‌ها را خدمتتان عرض کنم که ان‌شاءالله برای سال آینده راه‌گشا باشد.

طرح هدایت تحصیلی یک نقطه قوت دارد و آن کلید خوردن یک هدایت درست و علمی با نیم‌نگاهی به کنکور است. این موضوع نقطه قوتی است و همه باید در این راستا عمل کنیم اما تا زمانی که تغییر نگرش در مدیران خود مجموعه آموزش و پرورش

می‌شد بعضی از مشکلات به وجود نمی‌آمد. می‌بایست در سال‌های قبل به والدین و دانش‌آموزان مشاوره می‌دادیم و آن‌ها را توجیه می‌کردیم. خود دانش‌آموز را با نتایج آزمون‌هایش در طی سال‌های تحصیلی استعدادهای، رغبت‌ها و توانایی‌هایش قرار می‌دادیم. فقط اگر تغییر محتوای درسی، و برقراری ارتباط با معلمان که در شیوه‌نامه هدایت تحصیلی است، از قبل اتفاق می‌افتاد، دانش‌آموز به راحتی قضیه هدایت تحصیلی‌اش را می‌پذیرفت.

امروزه ما ۱۳۰ هزار نفر کارشناس ارشد و دکتری بیکار داریم. این عدد طبق نظر مرکز علمی آمار است و مجلس آن را قبول ندارد و می‌گوید آمار بیش از این رقم می‌باشد.

تعداد کارشناسان ارشدی که امسال در کنکور شرکت کردند، با تعداد کسانی که در کنکور کارشناسی شرکت کردند، برابر شده است؛ یعنی مردم می‌گویند: ۱. راه خود ارزشی - بدین معنا که من آدم مهمی هستم - از دانشگاه می‌گذرد. ۲. راه شغل هم از

دکتر محمد مصطفوی: یکی از کلیدی‌ترین کارهایی که شاید در آیین‌نامه جدید انجام شد این بود که بررسی‌های مشاوره‌ای کم‌کم خودش را نشان داد



دانشگاه می‌گذرد.

در کجای دنیا روال این‌گونه بوده است؟ در فضای کشور ما چرا همه می‌خواهند کارشناسی ارشد بگیرند و دکتر شوند.

دکتر مجدفر: چون بنده از روند کار گروه آقای مصطفوی آگاهم و به واسطه‌ای در جلسات دفترشان برای طرح شهاب، شرکت می‌کنم، شاهد بودم که طرح طراحی شده هدایت تحصیلی، یک

اتفاق نیفتد، نمی‌توانیم انتظار هیچ‌گونه تغییر نگرشی را در والدین و دانش‌آموزان داشته باشیم. ما مشکلات طرح را در دو دسته ریشه‌یابی کردیم: یکی بحث محتوایی و دیگری بحث اجرایی. عمده‌ترین مشکل ما در بحث اجرا این بود که خود مدیران

ما خوب توجیه نشده بودند و از ضرورت اجرای طرح آگاه نبودند یا علم کامل نداشتند و یا ایمان نداشتند.

وقتی ما چیزی را خوب نفهمیم، در انتقال آن به والدین و دانش‌آموزان هم ناکارآمد خواهیم بود. به لحاظ محتوایی هم بعضی از اشکالات را می‌دانیم که یکی از آن‌ها در بحث طراحی فرمتی بود که برای هدایت تحصیلی انجام داده بودند. من واقعا نمی‌دانم با چه نظر کارشناسان‌های این فرمت طراحی و اجرا شده بود.

یعنی اینکه ما رشته‌های کشاورزی و خدمات را ریز کنیم و ۱۲ تا اولویت بنویسیم و حقی را به اولیا و خانواده‌ها بدهیم. ما هر چقدر به خانواده‌ها توضیح می‌دادیم که بچه شما برای این رشته

نمره آورده است، می‌گفتند: اولویت ۵ یا ۶ فرزند من رشته ریاضی است. پس او توانایی رفتن به این رشته را دارد.

من احساس می‌کنم در تعریف متغیرهای مربوط به محتوای هدایت تحصیلی، بیشتر نگاه به طرف هدایت دانش‌آموزان به سمت فنی و حرفه‌ای بود و خیلی بحث استعداد و علاقه در بعضی موارد رعایت نشده بود.

پیشنهادی که ما داشتیم این بود که در صورت امکان، سه زیر مجموعه حذف شود؛ چون ما در بعضی از مناطق و شهرها اصلا رشته کشاورزی نداریم، سیستم تحت همان فرمت کلی فنی و حرفه‌ای باشد.

اگر بشود فکری برای گریز خانواده‌ها از کار و دانش کرد، خیلی خوب است؛ مثلا اسم رشته کار و دانش را تغییر بدهند یا هنرستان‌های حرفه‌ای و هنرستان‌های فنی بگویند. چون حساسیت نسبتا شدیدی نسبت به اسم کار و دانش وجود دارد و خانواده‌ها از آن گریزانند و در برابر کار و دانش مقاومت می‌کنند. مشکل دیگر عدم ثبات در بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌هایی بود که برای ما می‌آمد. در هر جلسه، نصف مطالب جلسه قبل نقض می‌شد و تغییر می‌کرد. شاید این مسئله ناشی از ناتوانی عزیزی بود که مطالب را به ما انتقال می‌دادند و اطلاع‌رسانی می‌کردند ولی دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌ها هم تغییر می‌کرد. اول به ما گفتند حتما باید تک رشته‌ای باشد. ما با خانواده‌ها جلسه گذاشتیم و این موضوع را برایشان توضیح دادیم. بعد گفتند نه می‌بایست به این شکل باشد. بعد گفتند به این شکل جدید باید باشد.

متأسفانه در این قضیه از ظرفیت رسانه‌های عمومی، به ویژه صدا و سیما، به خوبی استفاده نشد و عملکرد صدا و سیما در این مورد خوب نبوده آن نهاد بیشتر در مقابل ما ایستاده بود.

اگر بشود باید از ظرفیت رسانه‌های عمومی استفاده کرد؛ چون تغییر نگرش کاری فرابخشی است و صرفا کار آموزش و پرورش نیست. در این مورد باید از امکانات شهرداری‌ها، صدا و سیما، مطبوعات، رسانه‌ها و هر چیزی که بتواند خانواده‌ها و دانش‌آموزان



را مجاب کند و تغییر نگرش در آن‌ها به وجود آورد، استفاده کرد. ما طرح بازدید از هنرستان‌ها را اجرا کردیم. واقعیت این است که خود طرح خوب بود ولی وقتی با بچه‌ها برای بازدید از هنرستان‌ها می‌رفتیم و برمی‌گشتیم، ذهنیت بچه‌ها تغییر چندانی نمی‌کرد؛ چون هنرستان‌ها جاذبه‌ای نداشتند. ما خیلی سعی کردیم خانواده‌ها را قانع کنیم که بچه‌هایشان به رشته‌های مختلف فنی و حرفه‌ای بروند اما تراکم در بعضی از رشته‌ها زیاد بود. مثلا در منطقه ۵ مجبور شدیم ۲ کلاس به رشته کامپیوتر

عباس سوری: تا زمانی که تغییر نگرش در مدیران خود مجموعه آموزش و پرورش اتفاق نیفتد، نمی‌توانیم انتظار هیچ‌گونه تغییر نگرشی را در والدین و دانش‌آموزان داشته باشیم



اضافه کنیم؛ برای اینکه بیشترین تقاضا برای دو یا سه رشته خاص بود. علت این موضوع سابقه ذهنی‌ای بود که خانواده‌ها و بچه‌ها داشتند. این مسئله ما را اذیت می‌کرد.

آقای مهندس زرافشان، باور کنید والدینی به ما مراجعه می‌کردند که دست و پایشان می‌لرزید و گریه می‌کردند. بعضی از آن‌ها تا مرز سخته پیش می‌رفتند؛ برای اینکه می‌گفتند، بچه ما باید به این رشته و مدرسه برود و گرنه ترک تحصیل می‌کند.

دکتر زعفری: در هدایت تحصیلی دو نکته وجود دارد؛ اول خود هدایت است. اشکال ما در هدایت تشریحی، الزام آن بود. خداوند با همه خداوندی‌اش می‌گوید: «یا ایها الرسول، بلغ ما أنزل الیک من ربک». خداوند الزام نمی‌کند که حتما همه باید شکرگزار و مسلمان باشند. هدایت تحصیلی امسال این اشکال را داشت که اجبار در آن بود. دقیقاً یک برگه به ولی دانش‌آموز داده می‌شد که مثلاً به رشته تجربی مدرسه فلان برود. دانش‌آموز اصلاً رشته تجربی را دوست نداشت و برای رفتن به این رشته باید به مدرسه‌ای دورتر از محل زندگی‌اش هم می‌رفت. این اجبار مخالفت همه را برانگیخت. اگر هیچ اجباری در کار نباشد، بهتر است.

من با اتکا به تجارب مدیریتی که سالیان سال داشتیم، با اولیا صحبت کردم.

سال گذشته هدایت تحصیلی در پایه اول دبیرستان انجام می‌شد و ما در پایه اول، رشته را تعیین می‌کردیم. زمانی که ولی دانش‌آموز برای ثبت‌نام می‌آمد، می‌پرسیدم اولویت پنجم فرزند شما تجربی است، چرا اصرار می‌کنید فرزندان به رشته تجربی بروند؟ او نمی‌تواند در این رشته موفق شود. ولی او می‌گفت: نه، می‌تواند.

دکتر زیبا زعفری:
آموزش و پرورش باید
استعدادیابی کند. متأسفانه
نه در قبل و نه اکنون،
استعدادیابی به درستی انجام
نمی‌شود



به درستی انجام نمی‌شود. برای استعدادیابی، پیشنهاد من این است که از ابتدا، آموزش‌ها و سنجش‌ها به صورت استاندارد انجام شود.

متأسفانه ما در دوره ابتدایی که اصلاً مشاور نداریم. در متوسطه اول هم تاکنون نداشته‌ایم. در متوسطه دوم داشته‌ایم که امسال نداشتیم و کسانی را هم که به عنوان مشاور در مدارس داریم، متخصص نیستند. مشاوران بیشتر هدایت تربیتی را بر عهده دارند، که متأسفانه آن هم اتفاق نمی‌افتد.

به نظر من، مثل کشورهایی که آموزش متوسطه عمومی را برگزار می‌کنند، ما هم بگوییم هر کسی که علاقه و استعداد دارد، در هر رشته‌ای که می‌خواهد درس بخواند. این گوی و این میدان، اما آن مدرسه بزرگ (big school) و آن مواردی که شما فرمودید، با وجود آموزشگاه‌های علمی قابل حل است. چون در جامعه ما جو چشم و هم‌چشمی حاکم است و شکستن این جو به زمان زیادی احتیاج دارد و انتخاب رشته دستخوش، چشم و هم‌چشمی می‌شود. بهتر است به هر کس اجازه بدهیم بر اساس علاقه و استعدادش عمل کند.

مهندس زرافشان: نمی‌شود. وقتی ما ۴۳ هزار مدرسه با کمتر از ۵۰ نفر دانش‌آموز داریم، وقتی ۹۰ هزار مدرسه ما کمتر از ۳۰۰ نفر دانش‌آموز دارند، اصلاً مدرسه بزرگ (big school) در ایران معنا پیدا نمی‌کند.

دکتر زعفری: آموزش عمومی را در همه مدارس ارائه بدهید. گرایش‌ها را از طریق آموزشگاه‌های علمی یعنی آموزش‌های خارج از مدرسه انجام دهید که گواهی بیاورند و ارائه بدهند.

مهندس زرافشان: پیشنهاد شما به نوعی این است که صورت مسئله را پاک کنیم!

دکتر زعفری: نه. ولی الان فقط متوسطه عمومی در مدارس اجرا می‌شود.

دکتر عابدینی: من فکر می‌کنم ما در مبانی قضیه متفق‌القولیم و از این نظر با هم اختلاف نظر چندانی نداریم. همه می‌دانیم که این مشکلات را در نظام آموزشی‌مان داریم. تاکید بر این راه‌حل که هر دانش‌آموزی باید مهارتی را یاد بگیرد نیز از نقاط مشترک ماست.

به نظر من عمده مشکلات ما در چگونگی اجراست. باید نگاه کنیم که کدام قسمت یا مرحله از اجرا مشکل دارد و آن‌ها را رفع کنیم. اولین و مهم‌ترین مطلب، این است که بدانیم تعریف ما از هدایت تحصیلی چیست. بهترین منبعی که می‌توانیم در پاسخ به این سؤال به آن استناد کنیم، همان تعریفی است که در آیین‌نامه برای هدایت تحصیلی آورده‌ایم.

هدایت تحصیلی دو یا سه ویژگی اصلی دارد: ۱. فرایندی است؛ ۲. رابطه دو طرفه بین دانش‌آموز و مشاور است؛ ۳. و از

من او را به سطح مورد نیاز برای تجربی می‌رسانم. این موضوع به دلیل بیمار بودن جامعه ماست. من واقعا هر سال اقدام پژوهی داشتم و دیدم بچه‌ای که اصلاً استعداد تجربی نداشته، به دلیل آیین‌نامه‌های غلطی که ما در شرایط فارغ‌التحصیلی داریم، به رشته تجربی رفته است.

بچه در سال سوم دبیرستان می‌تواند دو درس تخصصی را تک‌ماده کند! یعنی چه؟ یعنی ما دیپلم تجربی را به دانش‌آموزی می‌دهیم که می‌تواند دروس زیست‌شناسی و زمین‌شناسی را - که تنها دروس تخصصی رشته تجربی هستند - تک‌ماده کند. این دانش‌آموز با این شرایط فارغ‌التحصیل می‌شود و بعداً به دانشگاه می‌رود. شما می‌فرمایید پشت کنکور می‌ماند اما امروزه با وجود دانشگاه‌های آزاد، علمی کاربردی و غیرانتفاعی همه به دانشگاه می‌روند و درس می‌خوانند و فارغ‌التحصیل می‌شوند. شما می‌فرمایید یکی از مبانی هدایت تحصیلی، امکانات است. ولی دانش‌آموز می‌گوید، من امکاناتش را دارم.

تنها اهمی که ما در دست داریم و باید آن را خیلی دقیق شناسایی کنیم، استعداد دانش‌آموز است. آموزش و پرورش باید استعدادیابی کند. متأسفانه نه در قبل و نه اکنون، استعدادیابی

همه مهم‌تر اینکه هدایت تحصیلی به انتخاب آگاهانه و آزادانه منجر می‌شود.

نکته بعدی پیرامون تعدد ملاک‌ها و عوامل است که در آیین‌نامه آمده است. من می‌خواهم بیشتر بر مصوبات خودمان تأکید کنم و به بررسی تفاوت آن در اجرا و مشاهده مشکلاتی که به وجود آورده است، بپردازم.

در پیش‌نویس اولیه، شش عامل پیشنهاد شده بود که یکی از آن‌ها بحث «توزیع متوازن» بود. من معتقدم اگر توزیع متوازن حرف درستی هم باشد، اشکالات متعددی دارد که باید آن‌ها را رفع کرد.

مهندس زرافشان: بالاخره درست است یا غلط؟ استخوان لای زخم نگذارید. چون این هم مصوب است.

دکتر عابدینی: به دلیل این که اشکالات متعددی داشت، عوامل اصلی حذف شد و دیگر یک بند از عوامل ما نیست. ما در نهایت یک تبصره آوردیم و آن تبصره و تذکر را به همه عواملی که در آیین‌نامه آورده‌ایم، ترجیح و اولویت دادیم. از نظر ما توزیع متوازن مبنای علمی ندارد و فاقد مطالعات و پژوهش‌های قابل تأیید است.

نکته بعدی، موضوع فرهنگ‌سازی است که در پذیرش مخاطبان بسیار مهم و اساسی است که ما اساساً به این مهم نپرداختیم، جامعه را توجیه نکردیم و عوامل مان از این بحث مطلع نبودند و نمی‌دانستند چه باید کنند و چه اقداماتی انجام دهند. ما می‌گوییم هدایت تحصیلی، توصیه‌نامه است ولی در عمل ما الزام ایجاد می‌کنیم و دانش‌آموزان را ملزم می‌کنیم به آنجایی که ما می‌گوییم، بروند.

توصیه‌نامه، با الزام‌نامه و اجبارنامه خیلی فرق دارد. ما می‌گوییم شما ۱۲ تا اولویت دارید که دانش‌آموزان می‌توانند هر کدام از این ۱۲ مورد را انتخاب کنند. اینکه در اجرا دانش‌آموزی را ملزم کنیم که حتماً در اولویت پنجم ادامه تحصیل بدهد، درست نیست.

نکته دیگر که باید به آن اشاره کنم، موضوعی که به صورت شفاف در سند ذکر شده است، آموزش و پرورش ما نظام رسمی و عمومی است و به هیچ‌وجه متولی تعیین مشاغل کشور نیست.

مهندس زرافشان: پس برنامه درسی ملی چه می‌گوید؟

دکتر عابدینی: نمی‌گوییم آموزش و پرورش نباید به فکر آینده شغلی و آینده کشور باشد؛ بحث این نیست. می‌گوییم آموزش و پرورش نمی‌تواند از زیر بار مسئولیت شانه خالی کند. حتماً باید در این مورد زمینه‌سازی و هدایت کند.

سوال اصلی این است که این کار چه استلزاماتی داشت و به چه مواردی می‌بایست توجه می‌کردیم؟ یکی از مهم‌ترین این موارد که جزء ملاک‌های ما در آیین‌نامه هم هست، وجود مشاور واجد صلاحیت است و بر «واجد صلاحیت» بودن او تأکید شده است. باید از خود بپرسیم در کمتر از ۴ ماه، چه اتفاقی برای حضور

مشاوران واجد صلاحیت در مدارس افتاده است. اگر در هدایت تحصیلی مشاور واجد صلاحیت وجود نداشته باشد یا ضعیف باشد، آیا امکان اجرای این سیاست وجود دارد؟ شیوه‌نامه این آیین‌نامه باید تا دو ماه بعد از تصویب، تدوین و ارائه می‌شد و به تأیید کمیسیون می‌رسید. از نظر ما چون، این اقدام مشخص، امکان اجرا پیدا نکرد به مشکل برخوردیم. ما بدون توجه به الزامات آیین‌نامه، آن را اجرا کردیم. نمی‌توانیم به آیین‌نامه استناد کنیم و بعد نظر خودمان را اجرا کنیم.

مبحث بعدی من و سؤال این است که آموزش و پرورش در قبال هدایت تحصیلی وظیفه دارد یا نه. آیا وظیفه‌اش این است که دست دانش‌آموز را بگیرد و به اجبار بگوید باید بروی فلان رشته؟

به گفته خودتان در هدایت تحصیلی متوازن سهم رشته تجربی تا ده درصد کاهش پیدا کرد و سهم فنی و حرفه‌ای ۱۰ درصد اضافه شده است. آیا برای سال آینده می‌توانیم بگوییم به تناسب این افزایش، معلم واجد صلاحیت نیز به رشته فنی و حرفه‌ای اضافه شده‌اند؟ آیا اگر برای فنی و حرفه‌ای ۵ تا مدرسه ساخته‌ایم و ۱۰ هنرستان را تجهیز کرده‌ایم، وظیفه

دکتر احمد عابدینی: به نظر من عمده مشکلات ما در اجراست. باید نگاه کنیم که کدام قسمت اجرا مشکل دارد و آن‌ها را رفع کنیم



ماست که آدم‌ها را ترغیب کنیم که به هنرستان و فنی و حرفه‌ای بروند؟ چه اتفاقی در این ۶-۵ ماه در بحث تربیت معلم، تربیت نیروی انسانی، تجهیز فضا و امکانات افتاده است که به جای اینکه فقط با زبان الزام و اجبار با آن‌ها حرف بزنیم، دانش‌آموزان را ترغیب و تشویق کنیم؟ آیا آموزش و پرورش هیچ وظیفه‌ای در این مقوله‌ها ندارد؟

یکی از شعارهای اصلی آقای وزیر، «تفویض اختیار و تمرکززدایی» بود. اینکه من بیایم پشت درهای بسته، به عنوان مجری، سیاست توزیع متوازن را اعلام کنم و به منطقه و استان سهمیه بدهم و بگویم شما باید حتماً به این سمت بیایید، با سیاست‌های وزیر نیز تعارض دارد. این سیاست در دوره آقای حاج بابایی شکست خورد. دوستان اصرار داشتند که ۴۰ درصد، ۵۰ درصد از دانش‌آموزان را به فنی و حرفه‌ای ببرند. به محض اینکه وزیر عوض شد، همه آن‌هایی که به فنی و حرفه‌ای رفته بودند، دوباره برگشتند. چون ما تغییر رشته دادیم، سال آینده همه این آدم‌هایی که آن‌ها را به زور به یک رشته دیگر می‌بریم، می‌گویند که ما می‌خواهیم تغییر رشته بدهیم. آنجا می‌خواهید چه کنید؟ وقتی طرحی را با عجله و بدون مقدمات و توجیه

عوامل خود (ولو بهترین طرح هم باشد) اجرا می‌کنیم، یکی از آفات بزرگ این است که مشکل درست می‌شود و دیگر طرح‌های موثر ما هم با بی‌تفاوتی مواجه می‌شوند. یک اشکال عمده این بود که زمان کمی برای توجیه عوامل داشتیم، که بتوانند کاملاً درگیر این موضوع شوند.

آقای حشمتی: من به‌عنوان یک مشاور، این سؤال را دارم که چرا ما سال‌های گذشته در بحث هدایت تحصیلی مشکل نداشتیم و امسال دچار مشکل شدیم؟ خانم مدیر خیلی راحت از معلم‌ها نمره‌ها را جمع می‌کردند. اولیا را نسبت به رشته توجیه می‌کردند و آن‌ها فرم پر می‌کردند و این هدایت اتفاق می‌افتاد.

محمدرضا حشمتی: ما هیچ برنامه‌ای برای منابع متکثر تربیت که منظور من مدیر مدرسه، معاون مدرسه، مشاور و معلم مدرسه، خود دانش‌آموز و اولیا است، نداشتیم



پس اینجا یک خلأ وجود دارد.

ما می‌گفتیم که جایگاه معلم راهنما این است که منابع متکثر تربیت را مدیریت کند. من در صحبت‌های جناب عابدینی این را دیدم. ما هیچ برنامه‌ای برای منابع متکثر تربیت که منظور من مدیر مدرسه، معاون مدرسه، مشاور و معلم مدرسه، خود دانش‌آموز و اولیا است، نداشتیم.

سؤال بعد من این است. ما مدلی را قبلاً طراحی کرده بودیم، سروصدای آن هم در مطبوعات درآمد که ما سال سوم را بر اساس «گروه» بگوییم. چرا با توجه به عدم آمادگی، و نبود استلزامات و اقتضائات لازم شتاب‌زده عمل کردیم تا گرفتار این مسئله شویم؟ اعتقاد من این است که سال ۹۵ باعث این مشکل ما شده است. منتها ما باید طرح را تدوین می‌کردیم. الان که متصدی هستیم، چرا نیامدیم این طرح را با توجه به مسئله‌ی زمان که مطرح می‌کنند، اجرا کنیم و آن را به آنجا شیفت کنیم که بتوانیم در این بازه‌ی زمانی هم برای بحث تربیت مشاور برای متوسطه اول فکری کنیم هم از جهت اطلاع‌رسانی برای منابع متکثر تربیت کاری کرده باشیم؟ ما در این قسمت‌ها بهتر می‌توانستیم کار کنیم.

دکتر مصطفوی: چرا ما در گذشته مشکل نداشتیم؟ چون در گذشته دو عامل بوده که الان در هدایت تحصیلی نیست؛ یکی اینکه دانش‌آموزان دوره متوسطه اول وقتی به دوره دوم می‌آمدند، با درس‌های واقعی روبه‌رو می‌شدند. فیزیک، ریاضی، شیمی و زیست. نمره هم نمره واقعی بود. دانش‌آموز نمره

می‌گرفت مثلاً ۱۱، ۵، ۷ و خودش می‌فهمید که به درد این رشته نمی‌خورد. بعد ما هم اجبار می‌کردیم؛ یعنی برای دانش‌آموز می‌زدیم کار دانش یا انسانی یا تجربی؛ بقیه را هم حذف می‌کردیم؛ یعنی آن فضا همچنان باقی بود. اما رویارویی دانش‌آموزان در دوره متوسطه دوم بر اساس نمره بود. می‌گفتیم اگر ۱۲ آوردی، می‌توانی بروی، اگر نه، نمی‌توانی.

دانش‌آموز هم چون نمره درس‌ها واقعی بودند، قبول می‌کرد و اصلاً به هدایت تحصیلی و مشاوره ما کاری نداشت. یکی از کلیدی‌ترین کارهایی که شاید در آیین‌نامه جدید انجام شد این بود که بررسی‌های مشاوره‌ای کم‌کم خودش را نشان داد. گفت: ۶۵ نمره، ۳۵ نمره. یعنی خودش عرض اندام می‌کند. چون شما اگر بخواهید هدایت تحصیلی را تحلیل کنید، این مهم است. شما وقتی نمره دوره متوسطه اول را نگاه می‌کنید، با نمره کتبی دانش‌آموز، یعنی آنچه در کارنامه است، به نمره کتبی نگاه می‌کنید (منظور نمره داخل برگه دانش‌آموز است) می‌بینید این نمرات خیلی تفاوت دارد؛ یعنی نمره مستمر و پایانی. نمره مستمر جمع می‌خورد. این جمع ۸ نمره تفاوت دارد. یعنی دانش‌آموز ما میانگین نمراتش در کارنامه بالای ۱۶، ۱۷ است ولی در برگه که نمره نهایی شما در جداولی که به متوسطه اول دادید، و در چهار درس ریاضی میانگین ۱۱/۷ بود.

مثلاً در بوشهر میانگین ریاضی پایه نهم، ۹/۷ و در تهران که از همه شهرها بالاتر بوده، ۱۴ است. در هشتم و هفتم هم میانگین همین بود. ما نمره‌ای که در هدایت تحصیلی استفاده کردیم، که آقای مدیر فرمودند همه درس‌ها ۲۰ است ولی شما فنی‌و حرفه‌ای دارید، این‌طور نبوده است.

در هدایت تحصیلی نمره‌ای که استفاده شد، نمره کتبی دانش‌آموز بود. می‌گویند شما در مدل چگونه طراحی کردید؟ ما در مدل این‌گونه طراحی کردیم؛ به دانش‌آموزی که نمره ریاضی‌اش در چارک اول باشد، یعنی تا ۱۴، ۱۵، به چشم دانش‌آموز کار دانش نگاه می‌کنیم. از نمره ۱۴ تا ۱۷ فنی‌و حرفه‌ای را به او پیشنهاد می‌دهیم. از ۱۷ به بالا درس‌های نظری است و در دنیا هم این تقسیم‌بندی پذیرفته شده است تا ۳۵ درصد. یک عامل ۳۵ درصدی ما این بوده است. طبیعی است وقتی میانگین نمرات یازده باشد، جهت‌گیری‌ها پایین می‌آید. یعنی شما دانش‌آموز را به هدایت می‌کنید. اختلالات یادگیری ما در متوسطه اول، یازده درصد است. این رقم سنگینی است؛ یعنی با نظام ارزشیابی توصیفی ما جواب نداده است و ما نمی‌خواهیم این موضوع را قبول کنیم. در واقع، با نظام ارزشیابی فعلی، دانش‌آموزان را بد راهنمایی می‌کنیم.

بعد برای اینکه مشکل را حل کنیم، در آیین‌نامه جدیدی که در شورای عالی تصویب شده است، گفته‌ایم که دانش‌آموز با ۸ تا تجدیدی می‌تواند از دوم به سوم برود. ما به دست خودمان، مشکلات را ساده می‌کنیم.

هدایت تحصیلی به این موارد نگاه نمی‌کند و اصلاً با این موضوعات کاری ندارد.

هدف هدایت تحصیلی، گفتن استعداد، علاقه و نظر و ... است.